

عزیز احمد بارز پژوهشگر حقوق و علوم سیاسی

28-04-2011

جهاد و مقامت ملی رستاخیز بزرگ قرن بیستم در افغانستان

جهاد در راه خدا مطابق به دستور قران عظیم الشان زمانی فرض میگردد که سرزمین اسلامی مورد حمله و تجاوز قرار گیرد و مجاهد به کسی اطلاق میگردد که در راه اعلائی خداوند و به منظور آزادی سرزمین اشغال شده پیکار نماید.

جهاد و مقاومت ملی متعلق به همه شهروندان افغانستان است ، اکثریت قاطع ملت نجیب افغانستان در جهاد و مقاومت و افتخارات آن سهم گرفتند ، دیدگاه مردم به مجاهدان واقعی و به انها یی که دچار لغزش شده اند کاملاً فرق می کند .نباید آنها پی را که از راه اصلی جهاد به بیراهه رفتند و به زر اندوزی متوصل شدند با مبارزان اصیل مقایسه کرد . پس مجاهد واقعی کی است؟ نمونه های زیادی از مجاهدین واقعی وجود دارند که صادقانه در خدمت جامعه و مردم خویش قرار دارند و مردانه و از منافع مردم و ملت خویش دفاع میکنند و در قلوب مردم نیز جای دارند ، لازم نمیدانم که نامی از انها ببرم مبادا که عدالت رعایت نشود و کسی ازین قلم برنجد . هستند کسانی که به مجرد ختم جهاد نه به قدرت متوصل شده اند و نه به زراندوزی ، همه شهروندان افغانستان حق شرکت در قدرت سیاسی را بدون رعایت سوابق سیاسی و حزبی شان مطابق به توانایی های علمی و مسلکی خویش بر اساس معیار های قانون اساسی مصوب سال 1383 دارند .

در اثر کودتای ثور 1357 قدرت سیاسی افغانستان بر هبری مرحوم محمد داود سقوط نموده و حزب دموکراتیک خلق افغانستان به قدرت رسید ، این گروه با دکتورین سیاسی چپی و افراطی خویش به اقدامات مردم ستیزانه مانند بی احترامی و اهانت به مقدسات دینی مردم و دستگیر های فراگیر و کشتار مردم به نام سرمایه دار و فیودال به روند فراگیر شدن جهاد و مقاومت ملی مردم افغانستان سرعت بخشید و در نتیجه جهاد و مقاومت در افغانستان سراسری شد.

مشروعیت جهاد و مقاومت ملی:

منبع اصلی مشروعیت در حاکمیت ها و حرکت های آزادی بخش اراده و آرای اکثریت مردم آن سرزمین بحساب میرود در نظام های دموکراتیک جهان حاکمیت های سیاسی زمانیکه احساس کنند پشتیبانی مردم را در حد قابل ملاحظه ای از دست داده اند شرافتمندانه از قدرت سیاسی کنار میروند . زمانیکه حرکت های سیاسی و آزادی بخش از پشتیبانی قاطبه ملت برخوردار شوند مشروعیت بدست می آورند .

ماده چهارم قانون اساسی مصوب سال 1383 حاکمیت ملی را متعلق به اراده ملت میدانند:

{حاکمیت ملی در افغانستان به ملت تعلق دارد که به طور مستقیم یا توسط نمایندگان خود آن را اعمال می کند} .

مردم با انعکاس اراده خویش به حاکمیت ها و حرکت های آزادی بخش مشروعیت بخشیده و دست رد به سینه زمامداران وقت زدند که نمونه خوب آن جهاد و مقاومت ملی افغانستان در دهه شصت و هفتاد خورشیدی میباشد . در دوران جهاد اکثریت ملت در جهاد سهم گرفتند و با نظام و قدرت کودتایی وقت به مخالفت برخاستند .

نخبگان جهاد و اختلافات:

ضعیف ترین نقطه ای که مستقیماً به مجاهدین بر میگردد اختلافات آنها و جنگ های میان گروهی بعد از سال های 1371 خورشیدی است ، خرابی کابل پایتخت کشور، تاراج دارایی های عامه در جریان جنگ ها و نهایتاً کشته شدن صد ها شهروند بیگناه افغانستان نتیجه این جنگ ها بود.

درین مقاله مجال ان نیست به موشگافی در مورد مقصر جنگ و ویرانی کشور در میان حکومت وقت و مخالفین حکومت اشاره شود ، درین مورد تحقیقات زیادی از طرف شخصیت های مختلف و سازمانهای حقوق بشری صورت گرفته است بویژه محمد اکرام اندیشمند در کتاب " سال های جهاد و مقاومت " به شرح مفصل و دقیق ماجرای جنگ های داخلی مجاهدین و نقش کشور های ذینفع در این جنگ ها پرداخته است.

مهم ترین پیامد های این اختلافات در میان گروه های سیاسی و جهادی خراب شدن قسمت های کشور ، سقوط نسبی اعتبار مجاهدین در میان مردم، بهره برداری همسایه های آزمنند از وضعیت پیش آمده و در نهایت ایجاد گروه طالبان و تسلط آنها بر افغانستان ، ادامه جنگ های داخلی و کشیده شدن پای سازمان تروریستی القاعده به افغانستان و در فرجام بهانه ای برای حضور نظامی ناتو و ایالات متحده آمریکا و بالاخره بعد از هشت سال بدتر شدن اوضاع امنیتی و نا مشخص بودن ادامه حضور غربی ها و بحران دودمدار در افغانستان است.

اکثریت محققین امور افغانستان و منطقه معتقد اند که در جنگهای داخلی افغانستان در دوره حاکمیت مجاهدین و به قدرت رسانیدن گروه طالبان سازمان استخباراتی پاکستان نقش محوری داشت البته کشور های ، عربستان سعودی انگلیس و آمریکا ازین پروژه حمایت مالی مینمودند.

حکومت مجاهدین و جامعه جهانی:

قیام و مقاومت مردم افغانستان علیه حکومت وقت طرفدار شوروی سابق به حمایت فراگیر جهانی همراه بود اما زمانیکه حکومت داکتر نجیب الله سقوط کرد و قدرت به مجاهدین انتقال یافت حمایت ها نه تنها فروکش نمود بلکه کاملاً قطع گردید.

نیروی بشری مجاهدین نیز از تجربه ی دولت مداری کم بهره بودند و آغاز جنگ های داخلی نظام را مصروف جنگ های میان گروهی ساخت در نتیجه مجاهدین نتوانستند به گسترش روابط خارجی بپردازند حتی کشور های که متحد طبعی مجاهدین در زمان جهاد؛ در دوره های مقطعی به حمایت مخالفین { احزاب شامل شورای عالی هماهنگی } 2 مسلح دولت مجاهدین پرداختند.

حکومت مجاهدین اکثراً با مسائل دولت داری و بویژه سیاست خارجی به نحوی ایده لوژیک و سطحی برخورد نمودند.

امریکا و غرب که توسط کمک های سخاوتمندانه آنها مجاهدین افغانستان قوای اتحاد شوروی وقت را به شکست مواجه نموده بودند روابطی عادی با دولت مجاهدین بر قرار ننمودند ، دولت امریکا و غرب اداره مجاهدین را از عینک پاکستان تماشا می نمودند و در واقع آنچه نظامیان پاکستان طرح میکرد امریکا آنرا تایید مینمود، حالا چندین تن از سیاستمداران غربی منجمله امریکایی ها اعتراف نمودند که این سیاست یک اشتباه بوده است.

حکومت مجاهدین و همسایگان:

رهبان مجاهدین عمدتاً در پاکستان و ایران پایگاه داشتند و به کمک جهان و ان کشور ها به جمع آوری کمک به جهاد افغانستان می پرداختند سازمان استخباراتی پاکستان کمک های غرب و بویژه امریکا را دریافت و مطابق ذوق و سلیقه حکومت خویش در میان گروه های مجاهدین تقسیم می نمود و حکومت ایران نیز چنین میکرد هر دو کشور متذکره تا پایان سقوط حکومت کابل در هشت ثور 1371 با دولت وقت افغانستان که تحت الحمایه اتحاد شوروی سابق بود نیز روابط دیپلماتیک داشتند.

پاکستان اولین کشور همسایه ای بود که جنگ مسلحانه را علیه دولت مجاهدین به رهبری گلبدین حکمتیار حمایت میکرد، رهبر مورد نظر حکومت وقت پاکستان برای آینده افغانستان حکمتیار بود که تا اکنون مورد حمایت آن کشور قرار دارد و علیه حکومت حامدکرزی و نیروهای بین المللی در افغانستان می جنگد.

حکومت های ایران در قبال دولت مجاهدین سیاست بیمار و نامتعارف داشتند گاهی روابط با دولت مجاهدین و گاهی حمایت از (شورای عالی هماهنگی) که علیه دولت وقت کابل در 11 جدی 1373 دست به کودتای ناکام زدند و اما زمانیکه دیپلمات های آن کشور در مزار شریف توسط طالبان بیرحمانه کشته شدند به حمایت از مقاومت ملی افغانستان علیه طالبان پرداخت.

کشور های همسایه تازه به استقلال رسیده شمال افغانستان مانند تاجکستان ، ازبکستان ، ترکمنستان از دولت مجاهدین هراس داشتند که حرکت های آزادی خواهی اسلامی را به آن کشور ها صادر نکند بخصوص موجودیت مخالفین دولت تاجکستان به رهبری سید عبدالله نوری آنها را دست و پاچه ساخته بود.

فدراتیف روسیه که خود را میراث دار اتحاد شوروی سابق میدانست نگران شدید حضور اسلامگرا های آسیای مرکزی در افغانستان و پیامد های بعدی آن بود که این نگرانی ها تا سطح چندین حمله ای هوایی در شمال کشور برقرارگاه های افراد نهضت اسلامی تاجکستان انجامید.

در دوران حکومت مجاهدین در اثر تلاش ها زمامداران وقت و بعضی از کشورهای منطقه مشکل جدی دولت مجاهدین و حضور مخالفین تاجکستان حل شد و آنها موافق به امضای قرارداد صلح شدند که اقدام مثبتی در کارنامه صلح جویانه ای دولت وقت افغانستان محسوب میگردد.

در سال های مقاومت (1376 الی 1379) رهبران دولت مجاهدین اقداماتی برای توسعه روابط سیاسی با کشورهای هند، ایران، روسیه، ترکیه، تاجکستان و سایر کشورهای آسیای مرکزی و بعضی کشورهای اروپایی را آغاز کردند که سفر احمد شاه مسعود شهید به دعوت اتحادیه اروپا از نتایج همان تلاش ها حساب میشوند که در حمایت و تداوم از مقاومت ملی نقش موثر داشت.

مجاهدین و مقاومت ملی علیه مزدوران بیگانه:

در سال 1376 طالبان بر کابل مسلط شدند حکومت پاکستان و حامیان بین المللی طالبان نیزم فکر تسخیر همه افغانستان و جابجای حکومت دست نشانده شانرا داشتند که در کنار آن منافع دراز مدت خویش دست یابند اما مقاومت ملی در محور پروفیسور ربانی ریس جمهور وقت و احمد شاه مسعود شهید معاون ری جمهور و بزرگترین فرمانده نظامی و نامدار و تعدادی از شخصیت ها از اقوام مختلف افغانستان شکل گرفت و تا سقوط اداره طالبان این مقاومت فراگیر شد و در نتیجه سازمان استخباراتی پاکستان با کوشش های متواتر نتوانست مقاومت را نابود ساخته و حکومت دلخواه خویش را در افغانستان مستقر سازد.

بعد از شهادت احمد شاه مسعود در نهم سپتمبر و حمله گروه القاعده در یازدهم سپتمبر 2001 به برج های تجارتي نیویارک، امریکا مصمم شد که طالبان و القاعده را از افغانستان نابود کند حملات هوایی امریکا موثریت کامل نداشت که به نابودی طالبان و القاعده بانجامد، نیروهای مجاهدین و مقاومت گران با حملات پیگیر زمینی ضربات اساسی را جهت نابودی طالبان وارد نمودند.

مجاهدین موفق شدند دوباره به کابل مسلط شوند اما مقاومت گران ارمان بزرگتری را به تاریخ پرفراز و نشیب سرزمین خویش تقدیم کردند رهبران مقاومت به اجماع بین المللی که متضمن صلح و امنیت در کشور گردد احترام گذاشته برای اولین بار در تاریخ افغانستان پروفیسور ربانی ریس جمهور وقت قدرت را به شکل مسالمت آمیز و بدون خون ریزی به حامدکرزی ریس جمهوری فعلی افغانستان انتقال نمود . متاسفانه بعد از نه سال حاکمیت حامد کرزی اوضاع امنیتی هر روز بدتر میگردد و آینده افغانستان در هاله ای از ابهام باقی است.

نقش مجاهدین در حکومت فعلی:

حامد کرزی بارها اعلان نموده است که او مجاهد است، بازی های چندگانه او رهبران مجاهدین را ناراض ساخته است قسمیکه حضرت صبغت الله مجددی به رسم اعتراض علیه حکومت تا اکنون چند بار استعفا نموده و دوباره استعفای خویش پس گرفته است.

حامدکرزی در روز های اول زمامداری به دعای مرقد شهید احمد شاه مسعود شتافت و نگهبانان خویش را از افراد مارشال محمد قسیم فهیم جای نشین وی تعیین نمود، با استحکام پایه های قدرت خویش متحدین سابق خویش را از قدرت بیرون ساخت و متحدین جدید برگزید دیری نگذشت که بازی های جدیدتری آغاز شد و مهره های انشعابی حزب اسلامی به وزارت خانه ها و ولایات گماشته شدند این اقدام حامد کرزی را زیادتر صاحب نظران ایتلاف اعلان ناشدهء قومی میدانند. و تعدادی از مجاهدین از گروه های متعدد تا حالا درکنار حکومت نیز قرار دارند.

دادخواهی های فردی که بتواند عدالت اجتماعی را در کشور تطبیق کند امر درستی است اما حکومت از همه این موارد استفاده ایزاری علیه رقبای خود نموده است گاهی که ریس جمهور تحت فشار مجاهدین قرار داشته سازمان حقوق بشر را تشویق به تطبیق برنامه عدالت انتقالی نموده است و اما زمانیکه فشارها دور شدند به گروه های مدنی حق حرف زدن درین مورد را به بهانه های مختلفی مانند مصلحت ملی و... نداده است.

حکومت کرزی اکثریت مجاهدین را تحت نام {دی دی ار} از ادارات بخش امنیتی بیرون راند و باجابجایی تعدادی نیروی بشری حزب افغان ملت و حزب اسلامی، در واقع گروه صلح باور مجاهدین را که قدرت را به وی تسلیم نموده بودند از ادامه کار درین سکتور ها بیرون راند.

رهبران مجاهدین حکومت را به مجاهد ستیزی متهم میکنند، امری که هیچگاهی ریس حکومت نپذیرفته است، حکومت فعلی نیز توفیقی در باز گردانیدن امنیت سراسری نداشته و انکشاف غیر متوازن امر دیگری است که مخالفان دولت به شمول مجاهدین از آن به شدت انتقاد می کنند.

اگر قدرت واقعی را پشتیبانی مردمی بدانیم مجاهدین مدعی این امر اند، دو انتخابات گذشته ریاست جمهوری و پارلمانی افغانستان نشان دهنده قدرت برتر احزاب مجاهدین در میان مردم بود، در پارلمان فعلی اکثریت اعضای انرا گروه های مجاهدین تشکیل میدهند.

تذکر: این یادداشت سال ۱۳۸۹ نشر شده بود بنا بر اصرار دوستان با اضافاتی مجددا خدمت خوانندگان تقدیم میگردد

عزیز احمد بارز

24 اپریل 2010 مطابق 5 ثور 1389

رویکرها:

<http://website.omidevatan.com/report2.aspx?radif=2421>.

2. در شورای عالی هم آهنگی که به منظور کودتای ناکام علیه حکومت مجاهدین و تصاحب قدرت ایجاد شده بود این گروه ها عضویت داشتند { حزب اسلامی به رهبری حکمتیار، جنبش ملی اسلامی به رهبری جنرال عبدالرشید دوستم، جبهه نجات ملی رهبری حضرت صبغت الله مجددی، حزب وحدت اسلامی به رهبری عبدالعلی مزاری، حزب محاذملی به رهبری پیر سید احمد گیلانی }

